



## فعالیت مستشاران با قدرت ادامه می‌یابد

وزیر امور خارجه در واکنش به اقدام تروریستی روز شنبه رژیم صهیونیستی تصریح کرد، فعالیت مستشاران نظامی ایران در مبارزه با «تروریسم» و تأمین «امنیت منطقه» با قدرت ادامه خواهد یافت. حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در شبکه ایکس نوشت: «رژیم اسرائیل را که این روزها علاوه بر نسل کشی در غزه باز هم تمامیت ارضی سوریه را تقص کرده و بعد از حدود یک ماه باز هم دست به ترور مستشاران نظامی ایران که به دعوت دولت سوریه در این کشور حضور دارند، زده، همدست اصلی جریان‌های تروریستی و دشمن درجه یک امنیت منطقه است.» امیرعبداللهیان که پیش از این گفته بود ما برای کمک به مردم و نیروهای مسلح عراق و سوریه، خون بهترین مستشاران نظامی خود را تقدیم کرده‌ایم، تاکید کرد، بی‌تردید شکست صهیونیست‌ها در مقابل اراده مردم غزه با این چنین اقدامات بزدلانه تروریستی قابل جبران نخواهد بود.



## دیدار با مقام ارشد حماس

کاظم جلالی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در فدراسیون روسیه با موسی ابومرزوق، عضو دفتر سیاسی جنبش حماس و هیئت همراه در مسکو دیدار و گفت‌وگو کرد. به گزارش ایسنا، در این دیدار، تحولات مربوط به منطقه غرب آسیا مورد بحث و بررسی قرار گرفت و ابومرزوق، گزارشی از آخرین وضعیت غزه و ادامه حملات ددمنشانه صهیونیست‌ها که با مقابله شجاعانه رزمندگان جنبش مقاومت محتمل خسارت‌های سنگینی گردیدند، ارائه نمود. سفیر جمهوری اسلامی ایران در روسیه ضمن ستایش از مقاومت و بردباری مردم غزه در برابر رژیم صهیونیستی، بر ادامه حمایت جمهوری اسلامی ایران از مردم فلسطین و جنبش مقاومت و همچنین مسئولیت جامعه جهانی و شورای امنیت سازمان ملل در متوقف ساختن جنایت‌های وحشیانه رژیم صهیونیستی و کمک به مردم ستمدیده غزه تاکید کرد.



## شرایط انتقال زندانیان افغان به کشورشان

کاظم غریب‌آبادی، معاون امور بین‌الملل قوه قضائیه و دبیر ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران که به دعوت رئیس شورای عالی قضایی افغانستان در رأس هیئتی به کابل سفر کرده است، به‌طور جداگانه با شیخ عبدالکریم حقانی، رئیس این شورا، اعضای شورای عالی قضایی، دادستان کل و رئیس و اعضای کمیته انتقال محکومین افغانستان دیدار کرد. در این دیدارها طرفین در خصوص موضوعات مختلفی مانند انتقال محکومان افغانستانی واجد شرایط به زندان‌های کشورشان، بر طبق موافقت‌نامه انتقال محکومان منعقد میان ایران و افغانستان، تسریع در رسیدگی به درخواست‌های استرداد مجرمان، انتقال تجربیات در حوزه مدیریت زندان‌ها به طرف افغانستانی و ایجاد کمیته مشترک قضایی برای مقابله با تروریسم گفت‌وگو کردند. در همین چارچوب، مقرر شد طرف افغانستانی تمامی محکومین را به زندان منتقل و هرگونه تصمیم قضایی صرفاً در چارچوب موافقت‌نامه انتقال محکومین صورت گرفته و گزارش‌های فصلی از آخرین وضعیت محکومین انتقالی را نیز به طرف ایرانی ارائه کند. از سوی دیگر، مقرر شد زمینه انتقال فوری چند زندانی معدود ایرانی به کشور نیز در اسرع وقت فراهم شود.

اعوان حضور هیئت ایرانی در مسکو آغاز شده بود و طرف یکی دومه آینده به آذربایجان نیز رسید و فرقه دست‌ساخته مومکرات به رهبری پیشه‌وری را پشت سر خود رها کرد. هم‌زمان با سفر قوام به مسکو که بیش از دوهفته طول کشید، سفیر ایران در لندن سیدحسن تقی‌زاده، نخستین شکایت به شورای امنیت سازمان ملل را تقدیم کرد و اینگونه بود که دومین و پنجمین قطعنامه شورای امنیت به طرفیت ایران و شوروی صادر شد و دو کشور را به حل موضوع از طریق گفت‌وگو دعوت کرد. همه این اقدامات با هدایت احمد قوام و البته کارگزاری سیاستمدارانی میهن‌دوست و با درایت شخصی چون تقی‌زاده رقم خورد.

بر خلاف افسانه‌ای که در مورد اولتیماتوم اتمی ترومن توسط خود وی خلق شد، هیچ سندی نه در وزارت امور خارجه آمریکا و نه در شوروی و نه در ایران مبنی بر چنین تهدیدی از سوی آمریکا وجود ندارد و درست است که فشارهای بین‌المللی به‌ویژه همراهی آمریکا و انگلیس در زمینه خروج ارتش سرخ از ایران مؤثر بود اما مجموعه‌ای از عوامل بود که این رخداد را رقم زد و دیپلماسی حضرت اشرف، احمد قوام یکی از مهمترین آن‌ها بود. قوام که پس از بازگشت تعدادی از نزدیکان به حزب توده را وارد کابینه کرد تا اعتماد روس‌ها را همچنان با خود همراه داشته باشد در واقع هیچ امتیازی به استالین نداده بود و امتیاز نفت شمالی که وعده داده بود به‌راحتی در مجلس رد شد و خود نیز هیچ اقدام غیرمترافی برای تصاحب همیشگی قدرت انجام نداد و به قواعد سیاسی پایبند ماند.

## حضوری عجولانه و پایانی تلخ

احمد قوام پس از پایان غائله آذربایجان ضمن اینکه نامی نیک از خود بر جای گذاشته بود اما به دلیل کپولت سن از عرصه سیاسی کنار گذاشته شد و شاید همین امر بود که او را به پذیرش نخست‌وزیری در تیر ۱۳۳۱ و در میانه نهضت ملی شدن صنعت نفت تشویق کرد. در حالی که دولت محمد مصدق توانسته بود با ملی کردن صنعت نفت محبوبیت بی نظیری در عرصه عمومی کسب کند، محمدرضا شاه در مقابل در خواست اختیارات ویژه از سوی مصدق مقاومت کرده و او را از نخست‌وزیری خلع کرد و قوام را مأمور به تشکیل دولت کرد. خود محمدرضا شاه در این باره می‌گوید: «از پذیرفتن تقاضاهای وی امتناع کردم. زیرا قطع داشتم که اثر این اختیارات آن است که کمونیست‌ها بیشتر در امور رخنه یابند و چنان که وقایع آینده ثابت کرد، نظر من صحیح بود... مصدق روز ۲۵ تیر ماه از نخست‌وزیری استعفا کرد و من بر خلاف نظر باطنی خود، احمد قوام را که در گذشته شاغل مقام نخست‌وزیری بود، به جای وی به نخست‌وزیری برگزیدم. زیرا به‌زعم عده‌ای قادر بود در برابر دست‌چپی‌ها مقاومت نماید... با روی کار آمدن قوام السلطنه، حزب توده (ای‌ها) بلافاصله به طرفداران مصدق پیوستند و دست به تظاهر و آشوب زدند و نظم و قانون مختل گشت و دولت قوام در برابر عناصر اخلاک‌گرا و افراطی ناتوان ماند. ضمناً نطقی که قوام در رادیو کرد و در آن مخالفت خود را با احساسات شدید عامه در مسئله ملی شدن نفت اظهار نمود، اوضاع را وخیم‌تر ساخت.»

متن سخنرانی تند قوام با واکنش تند آیت‌الله کاشانی منجر به قیام سی تیر و بازگشت مصدق به قدرت شد و احمد قوام مجبور به کناره‌گیری از سیاست شد. آیت‌الله کاشانی در دعوت عمومی به تظاهرات گفته بود: «تا خون در شاه‌گرم و این ملت است، زیر بار نمی‌رویم که قوام بر ما حکومت کند. فردا تهران که همه ایران تعظیم عمومی است. اگر مقتضی باشد می‌گویم که پس فردا هم تهران و همه ایران را تعطیل کنند.» این پایان عمر سیاسی قوام بود هر چند او همچنان می‌اندیشید: «بالاخره روزی خواهد رسید که مردم بی‌غرضی در این مملکت اوراق تاریخ را ورق بزنند و از میان سطور آن، حقایق مربوط به زمان ما را بخوانند... من می‌روم و تاریخ ایران قضاوت خواهد کرد که به روزگار این ملت چه آمده است و به پادشاه فداکاری‌های خادمین مملکت چه رفتاری شده است.»

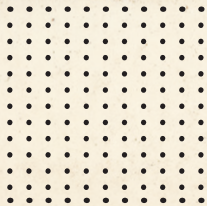
قوایی را در ایران نگاه داریم اما موضوع آذربایجان، یک موضوع داخلی است که ما مداخله نداریم، ولی خودمختاری در آنجا چه ضرری دارد و مغایر با استقلال ایران نیست و اساساً ما نظر ارضی نسبت به ایران نداریم.» در این جلسه حضوری، استالین مسائل مختلفی را با احمد قوام در میان گذاشت؛ از جمله، مسئله نفت شمال و رعایت تشدن موازنه مثبت درباره دادن امتیاز نفت به روسیه در مقابل آمریکا و انگلیس و...»

در زمان حضور قوام در مسکو دو دولت بیابانه‌هایی نیز خطاب به یکدیگر صادر کردند. در نخستین بیانیه ایران، نکاتی به این شرح مطرح شد: «نیاز فوری کشور به تخلیه کامل ایران از قوای شوروی، چراکه حل مشکلات موجود در جامعه منوط به این امر است، زیرا برای حل معضلات موجود و همچنین هرگونه اصلاحات در زمینه روابط سیاسی و اقتصادی فی‌مابین دو کشور باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد و تا زمانی که نیروهای متفقین خاک ایران را تخلیه نکنند، به موجب قانون منع انتخابات که در مجلس چهاردهم گذشته، انتخابات دوره پانزدهم مجلس صورت نخواهد گرفت. دوم، موضوع آذربایجان نبود، آذربایجان برپایه سوابق تاریخی و قانون اساسی جزء جدایی‌ناپذیر ایران است و هیچ‌گونه مجوز تاریخی یا قانونی برای نهضت خودمختاری و اقدامات خلاف قانونی که در آنجا انجام گرفته و موجب ایراد لطمه و صدمه به تمامیت ارضی ایران شده است، وجود ندارد. سوم، موضوع پیشروی نیروهای مسلح آذربایجان به طرف گیلان و تصرف روستای هشت‌تپه، که بر این اساس دولت ایران تقاضای صدور دستورات لازم برای مأمورین نظامی شوروی در گیلان را دارد تا از آزادی عمل ژاندارم‌های ایران در گیلان ممانعت نکنند و همچنین موافقت کنند تا نیروی کمکی از تهران برای ایجاد امنیت به گیلان اعزام شود.»

در مقابل بیانیه قوام، مولوتوف بیانیه‌ای از طرف دولت شوروی ارسال کرد که یکی از موضوعات این بیانیه در خصوص توقف قوای نظامی شوروی در ایران بود و برپایه آن، این نیروها به‌طور موقت طبق عهدنامه ایران و شوروی مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ میلادی در ایران خواهند ماند و قوای شوروی زمانی خاک ایران را به کلی تخلیه خواهند کرد که دولت ایران تمام اقدامات خصمانه و تبعیض را نسبت به دولت شوروی از میان ببرد و در شمال ایران آرامش برقرار کند و سیاست دوستانه نسبت به دولت شوروی اتخاذ کند اما در پاسخ به این اقدام شوروی قوام که آگاه به مسائل سیاسی بود به‌مدام ۶ این عهدنامه اشاره کرد و گفت: «طبق این ماده تنها زمانی دولت شوروی می‌تواند قوای خود را در خاک ایران نگاه دارد که دولت ثالثی بخواهد عملاً ایران را وسیله تجاوز به ممالک اتحاد جماهیر شوروی قرار دهد و دولت ایران هم از عهده جلوگیری از آن برنماید.»

آنگونه که روشن است مذاکرات میان قوام و مولوتوف و همچنین دیدارها با استالین در عین سختی و استواری دو طرف روی مواضع‌شان سنجشی از شخصیت دو طرف نیز بوده است. قوام ضمن استواری بر موضع خود در زمینه پایان اشغال ایران چنان استالین و مولوتوف را به خود امیدوار می‌کند که آنان به‌وی پیشنهاد تشکیل جمهوری و خلع نظام سلطنتی را می‌دهند اما پیر کارکشته سیاست بدون آنکه به روشنی این پیشنهاد را رد کند، موضوع آذربایجان را پیش می‌کشد که چگونه عدم توقیفش در حل این بحران به کاهش اقتدار و نفوذش در تهران منجر خواهد شد و دولت شوروی متحد و همراهی چون او را از دست خواهد داد. قوام در واقع با برانگیختن حس طمع در شوروی زیاده‌خواه آنان را به کسب تمامی قدرت در ایران تشویق کرد. موضوع نفت شمال نیز تنها یکی از امتیازاتی بود که قوام به استالین پیشنهاد داد و آن‌ها هم به برگزاری انتخابات مجلس منوط کرد؛ انتخاباتی که تنها در صورت پایان اشغال و استقرار ارتش ایران در سراسر قلمرو ممکن خواهد شد. پیشنهادات مشروط و در عین حال و سوسه‌برانگیز در کنار قاطعیت و استواری این پیرمرد سیاستمدار توانست استالین را وارد تله‌ای کند که قوام برایش طراحی کرده بود.

هر چند قوام در بازگشت از سفر از نتیجه آن اطمینان نداشت اما عقب‌نشینی ارتش سرخ شوروی از مناطق اشغالی در همان



## قوام را به دیدار با استالین علت سفر خود را به مسکو بدین صورت بیان کرد: «من برای مباحثه حقوقی و استناد به معاهدات، که هر یک به جای خود هست، نیامده‌ام، بلکه با یک نیت صادقانه و دوستانه آمدم که از شما خواهش کنم، مقدمه و شرط اصلی مشروع و روابط دوستی و حل مشکلات بین ایران و شوروی است با یک اراده فراهم کنید» سپس به اهمیت تخلیه کامل ایران از نیروهای ارتش سرخ و پایان دادن به بحران آذربایجان اشاره کرد. استالین در پاسخ قوام السلطنه اظهار داشت: «آنچه موضوع تخلیه ایران است، عجالتاً نمی‌توانیم انجام دهیم؛ زیرا به موجب ماده ۶ معاهده ۱۹۲۱ حق داریم قوایی را در ایران نگاه داریم اما موضوع آذربایجان، یک موضوع داخلی است که ما مداخله نداریم، ولی خودمختاری در آنجا چه ضرری دارد و مغایر با استقلال ایران نیست و اساساً ما نظر ارضی نسبت به ایران نداریم.»

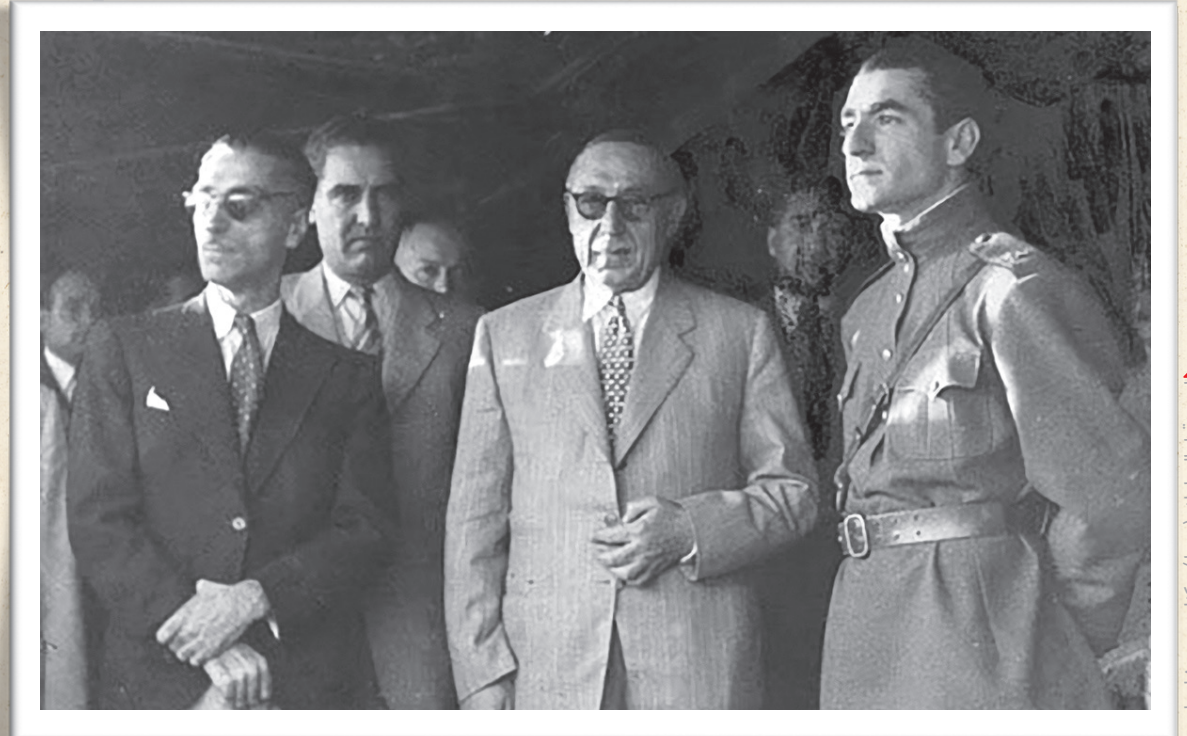
اما مهمترین مأموریت زندگی احمد قوام که محمدرضا شاه به او لقب حضرت اشرف داد، در ۲۹ بهمن ۱۳۲۴ رقم خورد. پس از اشغال ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰ توسط قوای متفقین، دولت‌های انگلیس، شوروی و آمریکا متعهد شدند شش ماه پس از پایان جنگ جهانی دوم همه قوای نظامی خود را از ایران خارج کرده و اشغال ایران را پایان دهند. این تعهد در جریان اجلاس سران متفقین در تهران و کنفرانس پالتامور تأکید قرار گرفت اما خیلی زود روشن شد که استالین قصد ندارد به تعهد خود در این زمینه عمل کند و درصدد است با ایجاد جنبش‌های ساختگی تجزیه‌طلبی در آذربایجان و کردستان ایران، این مناطق را تحت سیطره شوروی دریاورد و دولت‌های خودمختار وابسته به خود را در این مناطق روی کار بیاورد. رفتار اشغالگری استالین موجی از ترس و نگرانی را در میان رجال و مطبوعات ایرانی رقم زده بود و تلاش‌های جمعی برای پایان دادن به این اشغالگری آغاز شده بود. دولت ایران تمام تلاش دیپلماتیک خود را برای وادار کردن مسکو به تخلیه کشور به کار گرفته بود و این درخواست را به دولت‌های آمریکا و انگلیس نیز منعکس کرده بود. سیدحسن تقی‌زاده در لندن و حسین علا در واشنگتن به‌عنوان سفیران ایران رایزنی‌های دائمی خود با دولت آمریکا و بریتانیا را حفظ کرده بودند و روند تحولات را منظم به آنان گزارش می‌دادند تا فشارهای بین‌المللی، استالین را وادار به تبعیت کند.

احمد قوام که حالا بیش از هفتاد سال سن داشت از چند ماه پیش تلاشی سیاسی را برای دستیابی به نخست‌وزیری آغاز کرد و مهمترین مدعایش نیز این بود که خواهد توانست بحران آذربایجان را حل کند. شوروی نیز در میان رجال ایرانی که عمده آنان را وابسته به انگلیس و آمریکا می‌دانست، به افراد معدودی اعتماد داشت و گویا قوام یکی از آنها بود. احمد قوام با حفظ موقعیت خود به‌عنوان سیاستمداری میانه‌رو که هوادار سیاست دولت‌های خارجی نیست، موفق شده بود اعتماد آنان را در زمینه عدم وابستگی به یکی از آنان کسب کند. دشمنی قدیمی قوام با سیدضیاءالدین طباطبایی که به‌تازگی از تبعید فلسطین بازگشته بود و جراید دست راستی مخالف حزب توده را رهبری می‌کرد، بر اعتماد شوروی افزوده بود. سیدضیاءالدین طباطبایی در غائله آذربایجان یکی از محوری‌ترین مخالفان اشغالگری شوروی بود و توانسته بود تندترین مخالفت‌ها علیه اشغالگری را رهبری کند. احمد قوام بلافاصله پس از به قدرت رسیدن دستور بازداشت سیدضیاءالدین طباطبایی را صادر کرد و مهمتر از آن، مقدمات سفر به شوروی را فراهم کرد. قوام این بار نیز مانند دومین دوره نخست‌وزیری اش خود گفتاوت وزارت امور خارجه را برعهده گرفت.

سیدعلی موحسانی به‌تازگی در ۲۱ آذر ۱۴۰۲ با انتشار مقاله‌ای در روزنامه هم‌میهن براساس اسناد منتشرنشده وزارت امور خارجه ایران و شوروی، نشان داد که چگونه قوام روند تحولات بین‌المللی را پیگیری کرده و دریافته است که خواسته اصلی استالین در آن برهه از زیاده‌خواهی‌هایش در ایران و اروپای شرقی دستیابی به تنگه‌های دریایی است و آذربایجان خواسته اصلی او نیست و همین نکته نقطه امید است که بتوان با دیپلماسی و رایزنی استالین را قانع به عقب‌نشینی کرد. قوام بلافاصله آماده سفر به مسکو می‌شود و «اولین اقدام او در وزارت خارجه تحریر متن سه تالکس به لندن برای تقی‌زاده، پاریس برای انوشیروان سپهبدی و به نیویورک برای حسین علاء بود که به‌عنوان سفیرای ایران نزد سه کشور انگلستان، آمریکا و فرانسه - متفقین غربی پیروز در جنگ - شناخته می‌شدند. دستورالعملی که قوام صادر کرد متضمن یک نکته بود: این سه نفر در فاصله زمانی‌ای که مطلع می‌شوند قوام اعزام مسکو شده است، نباید سفارتخانه‌ها ترک کنند و شبانه‌روز در ساختمان سفارت مستقر باشند. آنها باید هر زمان تالکس و تلگرافی دریافت می‌کنند، خود به پشت دستگاره رمز آمده متن را استخراج کنند. تلگراف‌های دریافتی از تهران یا مسکو با امضای قوام و یا با امضای سرپرست حمید سیاح - که در دوران مذاکرات قوام در مسکو مسئولیت وزارت خارجه را داشت - برای آنها در این دوره مذاکره می‌رفت. آن سه تن بدون آگاهی سایر اعضای نمایندگی شخصاً مسئول بودند که دستورالعمل‌ها و تعلیماتی که ابلاغ می‌شد را اجرائی کنند. این مثلث بیرون ایران با این هدف از طرف قوام تشکیل شد تا بتواند هم بر افکار عمومی کشورهای غربی که بعد از جنگ وارد صحنه سیاست بین‌الملل شده بودند اثر نهد و هم خط تماس مستقیم برای تبادل پیام‌ها و انتقال نقطه‌نظرات و جلب آرا یا دریافت راهنمایی‌ها و توصیه‌های مقامات عالی آن سه کشور را برقرار نگاه دارد.»

قوام در سفر به مسکو با درایتی که از یک سیاستمدار کارکشته با تجربه و انتظار می‌رود مولوتوف وزیر امور خارجه شوروی را مستاصل کرده و استالین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قوام پیش از آغاز سفرش به مسکو فرمان آزادی مطبوعات را صادر می‌کند که به معنای ایجاد فشار افکار عمومی هم‌زمان با سفرش است تا بتواند روس‌ها را به سوی مقصود خود هدایت کند.

قوام در دیدار با استالین علت سفر خود را به مسکو بدین صورت بیان کرد: «من برای مباحثه حقوقی و استناد به معاهدات، که هر یک به جای خود هست، نیامده‌ام، بلکه با یک نیت صادقانه و دوستانه آمدم که از شما خواهش کنم، مقدمه و شرط اصلی مشروع و روابط دوستی و حل مشکلات بین ایران و شوروی است با یک اراده فراهم کنید» سپس به اهمیت تخلیه کامل ایران از نیروهای ارتش سرخ و پایان دادن به بحران آذربایجان اشاره کرد. استالین در پاسخ قوام السلطنه اظهار داشت: «آنچه موضوع تخلیه ایران است، عجالتاً نمی‌توانیم انجام دهیم؛ زیرا به موجب ماده ۶ معاهده ۱۹۲۱ حق داریم



احمد قوام السلطنه (وسط) در کنار محمدرضا پهلوی